

بریده‌ای از کتاب «نزه الکرام و بستان العوام»

«ای فاطمه، نام وی علی کن!»

شریف شیرزاد

«نزه الکرام و بستان العوام» اثری است از محمد بن حسین بن حسن رازی (سده های ششم و هفتم) که به نوعی ادامه و مکمل اثر مشهور او، «تبصره العوام فی معرفه مقالات الأنام»، است. «تبصره» کتابی است در زمینه ملل و نحل یا ادیان و مذاهب که در نوع خود کم نظیر است.



نویسنده شیعه مذهب. پس از آنکه این اثر را تألیف می‌کند، با درخواست دوستانی روبه رو می‌شود که «چون تبصره العوام» می‌خواند، اگرچه پارسی است، بعضی از آن فهم نمی‌کردند. از مسائل اصول و فروع که ممارست آن نکرده بودند، و کتابی می‌خواهند عامه فهم که «انواع حکایات در آن باشد».

رازی خواهش دوستان را اجابت می‌کند و با بهره‌گیری از آثار مختلف، کتاب «نزهه» را می‌نویسد در سی باب، از «ذکر میلاد سید رسل» تا «در ذم بدعت». باب دهم اثر او «در ذکر میلاد امیرالمؤمنین علی، علیه الصلوه والسلام» نام دارد که اینک بخش هایی از آن را نقل می‌کنیم:



من [= زید بن قعب ریاحی] و عباس بن عبد المطلب نشسته بودیم میان قومی از بنی عبد العزی و قومی از بنی هاشم، برابر کعبه که فاطمه بنت اسد بیامد، مادر علی بن ابی طالب^۱؛ و حامله بود به علی ثه ماه، الا روزی گذشته بود و وقت وضع حملش بود. برابر خانه بایستاد و نظر به آسمان کرد. گفت: «ای بارخدا! مرا یقین است به تو و به هرچه از نزد تو نبی‌ای آورد از انبیا و رسولی از رسل و به هر کتاب که تو فرستادی و من ایمان دارم به کلام جد خود، ابراهیم خلیل^۲، و بدانکه او بنای خانه تو نهاد، به حق این خانه و آن کس که بنای او نهاد و به حق مولود که در احشای من است و با من سخن می‌گوید و مناجات می‌کند و مونس من است در سخن گفتن و اوانشانی است از نشان‌های تو و دلیلی است از دلایل تو، که این ولادت بر من آسان کنی.» [...] در خانه گشوده شد و فاطمه اندرون رفت و از چشم ما ناپدید شد. پس در بسته شد، همچنان که بود، و قصد کردیم که کسی نزد وی تواند رفت، نتوانست و جهد کردیم که در بگشاییم، نتوانستیم. آن‌که گفتیم: «ایمن شد هرکه به خدای ایمان آورد.» و فاطمه سه شبانه روز در خانه بود. پس امیرالمؤمنین را بر دست گرفت، دراز به‌روی گشوده شد، چون فاطمه بیرون آمد، آن موضع با حال اول رفت.

آن‌که گفت: «ای قوم! خدای -تعالی- مرا برگزید و تفضیل نهاد بر گزیدگانی که از پیش رفتند؛ آسبه، دختر مزاحم، برگزید، که خدای را در سر می‌پرستید در جایی که کس خدای را نمی‌پرستید. و مریم بنت عمران را برگزید، ولادت عیسی بر وی آسان کرد و شاخ خشک از خرما بجنبانید تا طرب چیده بر او افتاد در بیابان. و خدای -تعالی- مرا برگزید و تفضیل نهاد، زیرا که من در خانه کعبه حمل بنهادم و سه روز آنجا بودم و از میوه بهشت می‌خوردم. چون خواستم که از خانه بیرون آیم و فرزند با من بود، هاتنی آواز داد: «ای فاطمه! نام وی علی کن، که او علی است و من علی اعلی؛ و من او را بیافریدم از قدرت و عدل و عز و جلال و عظمت ربوبیت خود و نام او را از نام خود مشتق کردم و امر خود بدو تفویض کردم و او را واقف گردانیدم بر غوامض اسرار خویش. در خانه من به وجود آمد و او اول کسی و به ریشانش دراندازد و تعظیم و تمجید و تهلیل و تقدیس من گوید و او امام باشد بعد از حبیب و برگزیده من از خلق، محمد، رسول و صفی من، و وصی و وارث او باشد. خنک آن کس را که مطیع وی شود و وای بر آن کس که در وی عاصی باشد و به امامت وی ایمان ندارد!»

شماره ۴۴

شماره ۴۴ دی ۱۴۰۳
۱۴ رجب ۱۴۴۴
شماره ۴۴۰

۱۰



فرهنگ و ادبیات

علی باقریان



گوهر شاهوار ۶۵

چو جان بر دل هر کسی بود دوست^{۱۱}

نماز شب و روزه آیین^{۱۲} اوست

سر مایه بود اختر شاه را

در بُند بُد جانِ بدخواه را^{۱۳}

۱- به نزد همه، چون جان عزیز بود.
۲- آیین: رسم (که به جای مانده است).
۳- مایه بلنداقبالی و نیک اختری شاه بود و مانع قدرت گرفتن و پیشروی دشمن.
۴- همواره تنها در پی بنیاد راستی و درستی برای کارها بود.
۵- پالوده: پاک.
۶- فَرّه: فروغ (فروغ ایزدی که گمان می‌کرده‌اند آن که شاه می‌شود، از آن برخوردار است یا اصلا کسی شاه می‌شود که فَرّه داشته باشد).
۷- افسون: حيله، مکر، طلسم.
۸- تیزرؤ بارگی: بارگی تیزرؤ، اسب رهوار و تندرو.

شماره ۴۴ دی ۱۴۰۳
۱۴ رجب ۱۴۴۴
شماره ۴۴۰

نگاهی به سابقه اعضای هیئت علمی نوزدهمین دوره جشنواره بین المللی شعر فجر

سفر داوران

وحید عیدگاه طرّبه‌ای



یکی از شاعران دیار خراسان که درمیان اعضای هیئت علمی نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر جای دارد؛ وحید عیدگاه طرّقبه‌ای (زاده ۱۳۶۳) از همان دوران نوجوانی یکی از پایه‌های ثابت جلسات ادبی شعر مشهد بوده است.

او اکنون، علاوه بر اینکه همچنان در وادی شعر و شاعری قلم می‌زند، مدرس زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همچنین ویراستار ادبی «فرهنگ جامع زبان فارسی» است.

کتاب «تلفظ در شعر کهن فارسی» و مجموعه غزل «در زیر ابرهای نیارنده» و مجموعه شعر نو «من هم یکی از شمایم»، از آثار اوست.

قربان ولینی



یک شاعر از دیار کرمانشاه، قربان ولیّنی که سال ۱۳۴۹ در شهرستان صحنه کرمانشاه متولد شده، تاکنون آثار زیادی در حوزه زبان وادبیات فارسی از خود برجای گذاشته است؛ یک دفتر غزل به نام «مجموع بریشانی»، یک مثنوی بلند به نام «ضربان ذات، و» درنگی در سکوت عرفانی» -که یکی از کتاب‌های پژوهشی ولیّنی است- بخشی از کارنامه او را تشکیل می‌دهد. او در دانشگاه زنجان زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کند.

عالیه مهرابی



مهرابی (متولد ۱۳۵۹) شاعر، نویسنده و پژوهشگر ادبی است که تاکنون ۲۵ عنوان کتاب منتشر کرده است و اکنون مدیریت خانه شعر و ادب یزد را برعهده دارد. او دکتری ادبیات مقاومت دارد و در دانشگاه یزد مشغول تدریس است. نامزدی جایزه کتاب سال و جشنواره بین‌المللی شعر فجر در کارنامه مهرابی به چشم می‌خورد. او همچنین داوری جشنواره‌های مختلفی را برعهده داشته است. «قلمدان‌های فیروزه»، «مسافران کویه صبح»، «به رنگ آتش»، «گریه‌های شمع، خنده‌های باد»، «به امضای گل‌سرخ» و «خوشه‌های مینیاتوری» نام برخی از تألیفات اوست.

نگاهی به جستار بلند

«حافظه‌ای برای فراموشی»

نوشته محمود درویش، شاعر فلسطینی

مضامینی عمیق و چندلایه در بستر زبانی غنی و شاعرانه



مریم محبی

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وحید عیدگاه طرّقبه‌ای، قربان ولیّنی، عالیه مهرابی، زکریا اخلاقی، ابوطالب مظفری، اسماعیل امینی، میلاد عرفان پور، عبدالجبار کاکایی و فریبا یوسفی را به عنوان اعضای هیئت علمی نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر منصوب کرد. به همین بهانه، گذری کوتاه داشته‌ایم بر فعالیت‌های ادبی این افراد.

زکریا اخلاقی



شاعر دیگر این جمع از استان یزد است؛ روحانی و استاد حوزه دانشگاه که بیشتر با غزل‌های دینی عرفانی شناخته می‌شود. کتاب «تبسم‌های شرقی»، تنها اثر چاپ شده اخلاقی، مجموعه‌ای است از سی قطعه شعر در قالب غزل و با مضامین عرفانی و مذهبی. این کتاب در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسیده است. زکریا اخلاقی که متولد ۱۳۴۲ است، علاوه بر فعالیت‌های علمی، مسئولیت مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری استان یزد را نیز برعهده دارد. او، همچنین، برگزیده جشنواره شعر فجر در دوره‌های اول تا سوم است.

ابوطالب مظفری



شاعر مهاجر خطه خراسان که اصالتاً اهل کشور افغانستان است- مظفری، زاده ۱۳۴۴ است در ولسوالی خاص ارزگان افغانستان، او همراه

خادم| محاصره بیروت توسط ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ برای محمود درویش، شاعر بزرگ فلسطینی، لحظه‌ای سرنوشت‌ساز بود. او درک کرد که در آستانه قرار دارد؛ در آستانه تبعیدی ابدی. تبعید برای او معنایی عمیق‌تر و وسیع‌تر از خروج و کوچ اجباری از کشورش داشت؛ در وطن خویش غریب بودن، زیستن در میهن اما بدون حقوق شهروندی هم تبعید است.

محمود درویش با درک عمیق واقعیت می‌فهمد در چنین وضعیتی، نه فقط زندگی، که مرگ و مردن هم از ریخت می‌افتد، نه فقط انسان زنده که مردگان هم بی‌حرمت می‌شوند. او خواهان زیستنی عادی است؛ اینکه-مثلاً- بتواند قهوه‌اش را بی‌هول و شتاب بنوشد؛ «عطر قهوه... پنج دقیقه فرصت... پنج دقیقه آتش بس... تنها و تنها برای قهوه. هیچ خواست شخصی‌ای ندارم، جز دم‌کردن یک فنجان قهوه.» و طالب مرگی است بقاعده؛ می‌خواهد مراسم خاک‌سپاری محترمانه‌ای داشته باشد که در آن، پنجر سالمش را به خاک بسپارند، نه جسدی مثله‌شده را. درویش، در محاصره فیزیکی ارتش اسرائیل و محاصره ذهنی هزار فکر، می‌نشیند به نوشتن؛ نوشتنی که هم به مثابه کنشی در برابر اشغال و هم فرصتی است برای پرداختن به مضامینی مانند هویت فلسطینی، آوارگی و تبعید، رابطه انسان و سرزمین، خاطره و فراموشی و مقاومت.

شاعران دیگری چون محمدکاظم کاظمی، مؤسسه فرهنگی «دُر درّی» را در مشهد پایه‌گذاری کرد که محفلی است برای گردهم آمدن شاعران و ادیبان ایران و افغانستان. مجموعه شعر «سوگنامه بلخ» و «عقاب چگونه می‌میرد؟» از آثار اوست.

اسماعیل امینی



اسماعیل امینی (زاده ۱۳۴۲) بیشتر با اشعار طنزش شناخته می‌شود، شاعری که هم به زبان فارسی شعر می‌گوید و هم به زبان ترکی. (موضوع پایان نامه امینی در

دوره کارشناسی ارشد «طنز در مثنوی» بوده است که بعدها آن را به صورت کتابی به نام «خندمین تر افسانه: جلوه‌های طنز در مثنوی معنوی» منتشر کرد.)

این دانش‌آموخته دکتری زبان وادبیات فارسی تاکنون داوری در جشنواره‌های گوناگون ادبی را برعهده داشته و همچنین تألیفات زیادی با رویکرد آموزشی در حوزه شعر و ادبیات منتشر کرده است. «فنون شعر بیاموزیم»، «قافیه بیاموزیم» و «وزن شعر بیاموزیم» از آثار منتشرشده اوست.

کتاب «حافظه‌ای برای فراموشی» با زیرعنوان «اورت، بیروت، ۱۹۸۲»، تلفیقی از شعر و نثر که در قالب جستار جان گرفته‌است، به چنین مضامینی می‌پردازد.

چرا درویش چنین نامی را برای کتاب انتخاب کرده است؟ زیرا او باور دارد که خاطره، حتی در شرایط دردناک و در آوارگی، می‌تواند به منزله ابزاری برای مقاومت و حفظ هویت به کار بیاید؛ البته خطر فراموشی نیز همیشه وجود دارد.

محوری‌ترین موضوع این اثر شاید هویت فلسطینی باشد. درویش تلاش می‌کند هویت ملی فلسطینی را درمیانۀ آوارگی، سرکوب و آزدست دادن سرزمین تعریف کند. این هویت صرفاً جغرافیایی نیست، بلکه حاصل

خاطره، رنج، مقاومت و پیوند با سرزمین مادری است. تجربه آوارگی و تبعید، بخش جدایی‌ناپذیر هویت فلسطینی در اثر درویش است. او، با زبانی دقیق و عمیق، این تجربه را از لحاظ روانی، اجتماعی و سیاسی به تصویر می‌کشد. آوارگی، نه فقط جابه‌جایی جغرافیایی، بلکه از دست دادن خانه و ریشه است، و داشتن احساس ناامنی و بی‌خانمانی.

رابطه انسان و سرزمین از دیگر مضامین این اثر است. درویش به رابطه عمیق و ارگانیک انسان و

برفت اهرم من را به افسون^{۱۷} بیست

چو بر تیزرؤ بارگی^{۱۸} بر نشست

بتایید از او فَرّه^{۱۹} ایزدی



میلاد عرفان پور



متولد ۱۳۶۷ است و اهل شیراز در رشته «سیاست‌گذاری فرهنگ و ارتباطات» در دانشگاه امام صادق تحصیل کرده و فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد از همین دانشگاه است. او، از آبان ۱۳۹۷، مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری است.

«از شرم برادرم»، «آخر مجلس»، «شمعدانی‌ها» و «بی‌خبری‌ها» از آثار منتشرشده این شاعر جوان است. او تاکنون یک بار نامزد جایزه قلم‌زرین و برگزیده جشنواره شعر فجر بوده است.

عبدالجبار کاکایی



ترانه‌سرای بسیاری از تیتراژهای برنامه‌های تلویزیون و قطعه‌هایی که شاید هنوز در زبان بسیاری است، عبدالجبار کاکایی (متولد سال ۱۳۴۲) شاعر و

ترانه‌سرای اهل ایلام است. خوانندگان زیادی چون فریدون آسرایی، حسام‌الدین سراج، بهنام صفوی، محمد اصفهانی و سالار عقیلی، ترانه‌های او را خوانده‌اند.

«در مجاورت جهان» مجموعه شعرها و ترانه‌های کاکایی است. او مدرک کارشناسی ارشد زبان وادبیات فارسی خود را از دانشگاه آزاد تهران گرفته است.

فریبا یوسفی



فریبا یوسفی متولد ۱۳۴۹ در تهران است. این شاعر، نویسنده و منتقد ادبی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است و تجربه داوری در جشنواره‌های ادبی مختلف را در کارنامه خود دارد.

او سال ۱۳۸۹ جایزه پروین اعتصامی را از آن خود کرد. «پرواز را به خاطر بسیار» یکی از تألیفات اوست که بر زندگی و اشعار فروغ فرخزاد متمرکز است. «غزل در سایه نیما»، کتاب دیگر اوست که محور آن زیست و اشعار نیما یوشیج است.

سرزمینش اشاره می‌کند. سرزمین فقط یک محل زندگی نیست، بلکه بخشی از هویت و روح انسان است؛ از دست دادن سرزمین، درحقیقت، از دست دادن بخشی از خود انسان است.

علاوه بر داشتن مضامین چندلایه، منتقدان این اثر را برای قدرت شاعرانه و توانایی درویش در خلق تصاویر بدیع و تأثیرگذار ستوده‌اند.

«حافظه‌ای برای فراموشی» که در سال ۱۹۸۸ منتشر شد، تأثیر بسیاری بر ادبیات مقاومت فلسطینی و درکل ادبیات جهان عرب گذاشت و همچنین سبب افزایش آگاهی جهانی درباره مسئله فلسلین شد. این اثر به زبان‌های متعددی ترجمه شده است که نشر «نی» هم به تازگی ترجمه فارسی آن را روانه بازار کرده است.

برشی از کتاب

«دو ساعت قبل به خواب رفتم. توی گوشم پنبه گذاشتم. آخرین اخبار را شنیدم و خوابیدم. چیزی از مرگ من نگفت؛ پس یعنی من زنده‌ام. اعضای بدنم را می‌شمارم؛ همه سر جایشان هستند؛ دو چشم، دو گوش، بینی درازم، ده انگشت پا، ده انگشت دست [...]، اما قلبم دیده نمی‌شود؛ چیزی هم نیست که نشانه‌اش باشد.»

«حافظه‌ای برای فراموشی»، نوشته محمود درویش، ترجمه علیرضا معصومی، نشر «نی»، ۲۴۵ صفحه، ۲۴۰ هزار تومان.